**خدا بی‌خدایان را عادل می‌شمارد**

رومیان ۳:‏۲۱-‏۴:‏۸

لکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنان که تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند؛ یعنی عدالت خدا، که به وسیلۀ ایمان به عیسی مسیح است، به همه، و کل آنانی که ایمان آورند؛ زیرا که هیچ تفاوتی نیست، زیرا همه گناه کرده‌اند؛ و از جلال خدا قاصر می‌باشند؛ و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند، به وساطتِ آن فدیه‌ای که در عیسی مسیح است. که خدا او را از قبل معین کرد، تا کفاره باشد به واسطۀ ایمان، به وسیلۀ خون او، تا آنکه عدالتِ خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتنِ خطایای سابق، در حین تحمل خدا، برای اظهار عدالت خود در زمان حاضر، تا او عادل شود؛ و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد. پس جای فخر کجاست؟ برداشته شده است! به کدام شریعت؟ آیا به شریعتِ اعمال؟ نی، بلکه به شریعتِ ایمان. زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان عادل شمرده می‌شود. آیا او خدای یهود است فقط؟ مگر خدای امتها هم نیست؟ البته خدای امتها نیز است. زیرا واحد است خدایی که اهل ختنه را از ایمان، و نامختونان را به ایمان، عادل خواهد شمرد. پس آیا شریعت را به ایمان باطل می‌سازیم؟ حاشا! بلکه شریعت را استوار می‌داریم. پس چه چیز را بگوییم که پدر ما ابراهیم به حسب جسم یافت؟ زیرا اگر ابراهیم به اعمالْ عادل شمرده شد، جای فخر دارد، اما نه در نزد خدا. زیرا کتاب چه می‌گوید؟ «ابراهیم به خدا ایمان آورد؛ و آن برای او عدالت محسوب شد.» لکن برای کسی که عمل می‌کند، مزدش نه از راهِ فیض، بلکه از راهِ طلب محسوب می‌شود؛ و اما کسی که عمل نکند، بلکه ایمان آورد به او که بی‌دینان را عادل می‌شمارد، ایمان او عدالت محسوب می‌شود. چنان که داوود نیز خوشحالیِ آن کس را ذکر می‌کند که خدا برای او عدالت محسوب می‌دارد، بدون اعمال: «خوشا به حال کسانی که خطایای ایشان آمرزیده شد؛ و گناهانشان مستور گردید. خوشا به حال کسی که خداوند، گناه را به وی محسوب نفرماید».

**اثباتِ عدالت خدا**

هفتۀ گذشته، سعی کردم نشان دهم که عمیق‌ترین مشکلی که به وسیلۀ مرگ مسیح برطرف شد، این بود که به نظر می‌رسید خدا با گذشتن از بسیاری گناهان که سزاوار محکومیتند، خدای ناعادلی باشد. کل عهد‌عتیق، بر این حقیقت شهادت می‌دهد که خدا «دیرخشم و کثیر احسان و وفا؛ نگاه دارندۀ رحمت برای هزاران، و آمرزندۀ خطا و عصیان و گناه» است (خروج ۳۴:‏۶-‏۷).

و به این اشاره کردم که تا زمانی که طرز فکر ما دربارۀ گناه و عدالت، طرز فکری خدامحور نباشد، واقعاً هرگز احساس نمی‌کنیم که چنین مشکلی وجود دارد.

گناه (رومیان ۳:‏۲۳) اساساً این نیست که نسبت به انسان جرمی مرتکب شویم؛ گناه، ارتکاب جرم به خداست. «همه گناه کرده‌اند؛ و از جلال خدا قاصر می‌باشند.» گناه همواره به این معناست که هر چیزی را در دنیا بیش از خدا ارج نهیم و ارزش گذاریم. گناه، حقیر شمردنِ جلال خداست؛ و بی‌حرمت نمودن نامش.

اما عدالت خدا، تعهد اوست به انجام آنچه که در نهایت درست و نیکوست؛ یعنی حفظ حرمتِ نامش، و ارزش جلالش. عدالت نقطۀ مقابلِ گناه است. گناه، با اقدام بر ضد خدا، ارزش او را حقیر می‌شمارد؛ حال آنکه عدالت، با اقدام به جانب خدا، ارزش او را بزرگ می‌دارد.

بنابراین، وقتی خدا به آسانی از گناه می‌گذرد؛ و اجازه می‌دهد که گناهکاران بدون اینکه عادلانه مجازات شوند، جان سالم به در برند، به نظر می‌رسد که خدای عادلی نباشد. انگار می‌گوید: «اهمیتی ندارد که ارزشم تمسخر گردد؛ مهم نیست که جلالم حقیر شمرده شود. اشکالی ندارد که نامم بی‌حرمت گردد.» اگر این گفته‌ها صحّت می‌داشت، خدا ناعادل می‌بود؛ و برای ما امیدی وجود نمی‌داشت.

ولی خدا نگذاشت که این حقیقت داشته باشد. او پسرش؛ عیسی مسیح را تقدیم نمود، تا او به واسطۀ مرگش، نشان دهد که خدا عادل است. مرگ پسر خدا، اعلام می‌کند که خدا جلالش را ارج می‌نهد، از گناه بیزار است؛ و گناهکاران را دوست می‌دارد.

**عادل‌شمردنِ بی‌خدایان**

واژۀ دیگری که در مورد گذشتن از گناه به کار می‌رود؛ و خدا را ناعادل می‌نمایاند، واژۀ «عادل‌شمردگی»، و به عبارتی، عادل شمردنِ بی‌خدایان است (رومیان ۴:‏۵). این چیزی است که قصد دارم امروز بدان بپردازم. خدا نه تنها از گناهانِ گذشتۀ قومش می‌گذرد، بلکه از گناهانی که دیروز و امروز صبح و فردا نیز مرتکب شده و می‌شویم نیز گذر خواهد کرد.

آیۀ ۲۶، چنین می‌گوید که در مرگ عیسی، تنها یک مهم روی نداد، بلکه دو امر به وقوع پیوست «[مرگ مسیح]، برای اظهار عدالت . . . تا او عادل شود؛ و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد.» مرگ او نشان داد که هم خدا عادل است؛ و هم ایمانداران، عادل شمرده می‌شوند.

امروز نمی‌خواهم به آن ایمانِ شخصی و فردی بپردازم، که باعث عادل‌شمردگیِ ما می‌گردد، بلکه می‌خواهم بر کار مشهود و ملموسِ خدا در عادل‌شمردن تمرکز نمایم. چرا که فکر می‌کنم اگر بر این کار عظیم؛ یعنی بر کار خدا، نه بر کار خودمان، تمرکز کنیم، به ایمانی می‌رسیم که پذیرای این کار عظیم بوده، و دلمان را به غلیان می‌آورد.

عادل‌شمردگی برای آنانی که با اعتماد به عیسی، این هدیه را می‌پذیرند، چهار معنا دارد. بیایید آن چهار معنا را بررسی نماییم.

**۱. همۀ گناهانمان بخشیده می‌شوند**

نخست اینکه، عادل شمرده شدن به این معناست که همۀ گناهانمان بخشیده می‌شوند.

**همۀ گناهان؛ گناهان گذشته، حال، و آینده**

به رومیان ۴:‏۵-‏۸ مراجعه کنیم، که پولس با نقل قول از عهد‌عتیق، حقیقت عادل‌شمردگی را آشکار می‌سازد.

کسی که عمل نکند، بلکه ایمان آورد به او که بی‌دینان را عادل می‌شمارد، ایمانِ او عدالت محسوب می‌شود. چنان که داوود نیز خوشحالیِ آن کس را ذکر می‌کند که خدا برای او عدالت محسوب می‌دارد، بدون اعمال: «خوشا به حال کسانی که خطایای ایشان آمرزیده شد؛ و گناهانشان مستور گردید. خوشا به حال کسی که خداوند، گناه را به وی محسوب نفرماید».

این دقیقاً جانِ کلامِ عادل‌شمردگی است. آن سه عبارت برجسته در آیات ۷-‏۸ را عزیز بشمارید: «خطایا آمرزیده شد»، «گناهان مستور گردید»، «خداوند، گناه را به ما محسوب نمی‌دارد».

توجه داشته باشید که پولس بخشش گناهان را فقط به گناهانی که پیش از ایمان آوردنمان مرتکب شده بودیم، محدود نمی‌کند، گویی که گناهان گذشتۀ شما آمرزیده شده، ولی تکلیف گناهان آینده‌تان معلوم نباشد. چنین محدودیتی وجود ندارد. برکت عادل‌شمردگی این است که خطایا آمرزیده می‌شوند و گناهان مستور می‌گردند و «خداوند، گناه را به ما محسوب نمی‌دارد.» و این مهم، به شکلی کاملاً مسلم، و قاطع و بی‌چون و چرا قید گشته است.

**زیرا مسیح، گناه و تقصیر ما را متحمل شد**

چگونه او می‌تواند چنین کاری کند؟ رومیان ۳:‏۲۴ می‌فرماید که ما «به وساطتِ آن فدیه‌ای که در عیسی مسیح است»، عادل شمرده می‌شویم. واژۀ «فدیه» به معنای آزاد شدن، یا خلاص شدن، یا رها شدن از اسارت و زندان می‌باشد. پس نکته اینجاست که وقتی عیسی برای ما جان داد، ما را از زندانِ گناهانمان آزاد نمود. او بندهای جرم و تقصیری را پاره کرد، که ما را در محکومیت قرار داده بودند.

پولس در رسالۀ غلاطیان ۳:‏۱۳ می‌گوید که «مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد، چون که در راه ما لعنت شد.» و پطرس در رسالۀ اول پطرس ۲:‏۲۴ چنین می‌نویسد: «مسیح، گناهان ما را در بدن خویش، بر دار متحمل شد.» و اشعیا می‌گوید: «خداوند، گناه جمیع ما را بر وی نهاد» (۵۳:‏۶).

از این‌رو، عادل‌شمردگی - بخشش گناهان - از آنِ ما می‌گردد، چرا که مسیح، گناه ما، لعنت ما، و تقصیر ما را متحمل شد؛ و بدین‌سان، ما را از محکومیت رهایی داد. عادل شمرده شدن «به وساطتِ آن فدیه‌ای که در عیسی مسیح است»، بدین معنا می‌باشد. ما از مجازات گناهان رهایی می‌یابیم، زیرا او مجازات گناهان را متحمل شد.

**مسیح، تنها یک بار رنج کشید**

و به طور خاص توجه داشته باشید که او فقط یک بار رنج کشید. او در مراسم شام خداوند، و یا در مراسم هفتگیِ کلیسای کاتولیک، بارها و بارها قربانی نمی‌شود، گویی که نخستین مرتبۀ قربانی شدنش، کفایت نکرده و بسنده نبوده است. رسالۀ عبرانیان ۹:‏۲۶ می‌فرماید که «مسیح، یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد، تا به قربانیِ خود، گناه را محو سازد» (به عبرانیان ۷:‏۲۷ نیز مراجعه نمایید.) و آیۀ ۹:‏۱۲ می‌فرماید: «و نه به خون بزها و گوساله‌ها، بلکه به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد؛ و فدیۀ ابدی را یافت.» برای درکِ شکوه و جلال کاری که خدا بر روی صلیب برای ما انجام داد، کاملاً لازم و حیاتی است که از این حقیقت آگاه باشیم.

آیا این را متوجه می‌شوید که مسیح یک بار جان داد، اما مرگ یک باره‌اش، برای کل گناهان شما، و گناهان جمیع قوم خدا بود. آیا این ارتباط را متوجه می‌شوید؟ مسیح فقط بعضی از گناهان، یا گناهانی خاص، یا فقط گناهان گذشتۀ جمیع قومش را از میان برنداشت، بلکه گناهان، و گناهِ محض را از میان برداشت.

بنابراین، بخششی که به عادل‌شمردگی ختم می‌گردد، بخششِ کل گناهان گذشته، حال، و آینده است؛ و این چیزی بود که در مرگ مسیح به انجام رسید.

**۲. آن عدالتی برای ما عدالت محسوب می‌شود، که از آنِ ما نبوده است**

عادل شمرده شدن به این معناست که عدالت خدا، برای ما عدالت محسوب شده، و به ما نسبت داده می‌شود؛ و به عبارتی، عدالتِ ما به حساب می‌آید.

صرفاً این‌طور نیست که ما بخشیده شویم، ولی جایگاهی در حضور خدا نداشته باشیم. خدا نه تنها گناه ما را از سر راه برمی‌دارد، بلکه ما را عادل به حساب آورده، و وضعیت ما را در حضور خودش اصلاح می‌نماید. او عدالت خودش را به ما می‌بخشد.

**عدالت خدا از طریق ایمان به عیسی**

به آیات ۲۱-‏۲۲ توجه نمایید. پولس در آیۀ ۲۰ گفته بود که هیچ انسانی نمی‌تواند با به‌جای آوردنِ اعمالِ شریعت، عادل گردد. شما هرگز نمی‌توانید بر اساس تکاپوی مذهبی، و شریعت‌گرایی، وضعیت خود را در حضور خدا اصلاح نمایید. سپس او (برای اینکه نشان دهد چگونه می‌توان عادل ‌شمرده شد)، می‌گوید: «لکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنان که تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند؛ یعنی عدالت خدا، که به وسیلۀ ایمان به عیسی مسیح است، به همه، و کل آنانی که ایمان آورند».

پس هرچند که هیچ‌کس نمی‌تواند با به‌جای آوردنِ اعمالِ شریعت، عادل شمرده شود، ولی شما می‌توانید با ایمان به عیسی مسیح، عدالت خدا را از آنِ خود کنید. منظور من هم همین است وقتی که می‌گویم عادل شمرده شدن به این معناست که عدالت، به حساب ما گذاشته می‌شود. عدالت خدا، از طریق ایمانْ عدالت ما محسوب می‌شود.

همان‌طور که هفتۀ گذشته، در بررسی آیات ۲۵-‏۲۶ مشاهده نمودیم، وقتی عیسی جان داد تا عدالت خدا را نشان دهد، آن را چون هدیه‌ای برای گناهکاران، در دسترس آنها قرار داد. اگر مسیح جان خود را فدا نکرده بود تا نشان دهد که خدا در گذشتن از گناهان، همچنان عادل باقی می‌ماند، در آن صورت، تنها راه نشان دادنِ عدالت خدا این می‌بود که ما محکوم گردیم. اما مسیح جان داد؛ و بدین‌ترتیب، اکنون عدالت خدا، محکومیت نیست، بلکه هدیۀ حیات است برای همۀ کسانی که ایمان آورند.

دوم قرنتیان ۵:‏۲۱

رسالۀ دوم قرنتیان ۵:‏۲۱، یکی حیرت‌آورترین آیات دربارۀ این هدیۀ عظیمِ عادل به حساب آمدن است: «زیرا او [مسیح] را که گناه نشناخت، [خدا] در راه ما گناه ساخت، تا ما در وی عدالتِ خدا شویم».

مسیح گناه نشناخت. او انسان کامل بود. او هرگز گناه نکرد. او در کل حیاتش، و در مرگش، برای جلال خدا، به کمال زیست نمود. او عادل بود؛ ولی از سوی دیگر، همۀ ما گناه کرده‌ایم. ما جلال خدا را حقیر شمرده‌ایم. ما عادل نیستیم.

اما خدا که پیش از بنیاد عالم، ما را در مسیحِ عیسی برگزید، چنین مقرر نمود که مبادله‌ای پرشکوه صورت گیرد: او مسیح را گناه ساخت؛ نه اینکه او را گناهکار نمود، بلکه گناه ساخت؛ یعنی گناه ما، تقصیر ما، مجازات ما، بیگانگی ما با خدا، و عادل نبودن ما؛ و عدالت خود را، که مسیح آن را به طرزی شگفت‌انگیز ثابت نموده بود، به ما داد، تا ما آن عدالت را به دوش کشیده و به تن کنیم و از آنِ خود نماییم، همان‌گونه که مسیح، گناه ما را به دوش کشید و بر تن کرد و از آنِ خویش نمود.

در اینجا نکته این نیست که مسیح از نظر اخلاقی، گناهکار می‌گردد و ما از نظر اخلاقی عادل می‌شویم. نکته اینجاست که مسیح، گناهی را به دوش گرفت و به خاطرش عذاب کشید که از آنِ او نبود؛ و ما عدالتی را به دوش گرفته، بدان زیست می‌کنیم، که از آنِ ما نیست.

**عادل‌شمردگی، بر تقدیس شدن مقدم است**

مطمئن باشید که این واقعیتِ مشهود، چیزی نیست که به ما متکی باشد. واقعیت تقدیس شدن، یعنی روندی که عملاً از نظر اخلاقی، در طرز فکر و احساسات و زندگی‌مان عادل گردیم و در راستی باشیم، هنوز به کمال نرسیده است. تقدیس شدن نیز یک هدیه است (طی سه هفته، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.) اما اساسش، عادل‌شمردگی است. هر یک از ما پیش از آنکه بتوانیم در راستای انجیل، به درستی در عدالتی پیش رویم که هنوز به کمال نرسیده است، باید باور داشته باشیم که آن عدالت، کاملاً عدالت ما به حساب می‌آید. بگذارید این حقیقت را به شکل دیگری بیان کنم: تنها گناهی که عملاً می‌توانید با قدرت خدا بر آن غلبه کنید، گناه بخشیده شده است. هدیۀ عظیمِ عادل‌شمردگی، بر تقدیس شدن مقدم بوده، و راه را برای روند تقدیس شدن هموار می‌سازد.

**۳. خدا ما را محبت نموده، و با فیض، با ما رفتار می‌کند**

عادل شمرده شدن به این معناست که خدا ما را محبت نموده، و با فیض، با ما رفتار می‌کند.

**مسیح، میزان محبت خدا به ما را ثابت می‌نماید**

اگر خدا شما را دوست نمی‌داشت، دیگر مشکلی وجود نمی‌داشت که بخواهد آن را با مرگ پسرش برطرف نماید. این محبتِ خدا به شما بود که باعث شد او از گناهتان بگذرد؛ و در این گذشتن، ناعادل به نظر رسد. اگر خدا شما را دوست نداشت، بدیهی است که همۀ ما را به هلاکت محکوم می‌نمود؛ و به این ترتیب، مشکل گناه را برطرف می‌نمود؛ و آن محکومیت نیز عدالتش را به اثبات می‌رساند. اما او چنین نکرد؛ و دلیلش این است که شما را دوست می‌دارد.

و این حقیقت، به زیباترین شکل در رومیان ۵:‏۶-‏۸، تصویر شده است.

زیرا هنگامی که ما هنوز ضعیف بودیم، در زمان معین، مسیح برای بی‌دینان وفات یافت. زیرا بعید است که برای شخص عادل، کسی بمیرد، هرچند در راهِ مردِ نیکو ممکن است کسی نیز جرأت کند که بمیرد. لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند، از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد.

خدا در مرگ پسرش، فقط حقیقت عدالتش را ثابت نکرد، بلکه میزان محبتش را نیز.

**هدیۀ رایگانِ خدا**

پولس در رومیان ۳:‏۲۴، بدین اشاره می‌کند که ما «به فیض او»، به رایگان عادل شمرده می‌شویم. در هدایای فیض است که محبت خدا برای گناهکاران لبریز می‌گردد؛ یعنی هدایایی که از مهربانیِ سخاوتمندانۀ خدا سرچشمه گرفته، نه از اعمال، یا از ارزش ما.

بخشش گناهان، و عدالت خدا، هدایایی رایگانند. یعنی که برای ما بهایی نداشتند، زیرا که مسیح همۀ بهایش را پرداخت. به‌جای آوردنِ اعمال، گناهان را نمی‌بخشد و کسی را عادل نمی‌سازد؛ همان‌طور که با انجام آیین و مراسم کلیسایی نیز نمی‌توان آمرزیده شد؛ و نمی‌توان آنها را از والدین هم به ارث برد. بخشش گناهان، و عدالت خدا رایگانند؛ و باید با ایمان به آنها دست یافت.

رومیان ۵:‏۱۷، این حقیقت را بدین شکل بیان می‌کند:

اگر به سبب خطای یک نفر، و به واسطۀ آن یک، موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر، آنانی که افزونیِ فیض و بخششِ عدالت را می‌پذیرند، در حیات سلطنت خواهند کرد، به وسیلۀ یک؛ یعنی، عیسی مسیح.

بخشش گناهان، و عدالت خدا، هدایای رایگانِ فیضند، که از محبت خدا جاری می‌شوند.

عادل شمرده شدن، یعنی اینکه گناهانمان بخشیده می‌شوند، عدالت به حسابمان گذاشته می‌شود؛ و خدا ما را محبت می‌نماید.

**۴. خدا ما را تا ابد ایمن نگاه می‌دارد**

و سرانجام، عادل شمرده شدن به این معناست که خدا ما را تا ابد ایمن نگاه می‌دارد.

این اوجِ برکت است؛ و پولس این برکت را در رومیان ۸:‏۳۰ چنین اعلام می‌کند: «آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند؛ و آنانی را که خواند، ایشان را نیز عادل گردانید؛ و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد».

اگر شما عادل شمرده شده‌اید، جلال نیز خواهید یافت. شما در عصری که می‌آید، به جلال می‌رسید؛ و تا ابد، در شادی و قدوسیت، با خدا زیست می‌نمایید. چرا این‌همه یقین؟

آری، این‌همه یقین، زیرا ثمرۀ مرگ پسر خدا، برای قوم خدا ملموس و واقعی و حتمی و استوار می‌باشد. آنچه که مرگ او به انجام رسانید، تا ابد به انجام رسانید. ثمرۀ خون مسیح، پابرجاست؛ یعنی این‌گونه نیست که یک لحظه نجات داشته باشیم؛ و یک لحظه آن را از دست بدهیم؛ و دوباره به دست آوریم؛ و دوباره از دست بدهیم.

نکتۀ آیۀ ۳۲ همین است: «او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راهِ جمیع ما تسلیم نمود، چگونه با وی، همه‌چیز را به ما نخواهد بخشید؟» یعنی که ما را نیز جلال نخواهد داد؟! آری، همان قربانی که عادل‌شمردگیِ ما را ایمن می‌سازد، جلال یافتمان را نیز امنیت می‌بخشد.

اگر عادل ‌شمرده شده‌اید، کیفرخواست و محکومیتی در انتظارتان نیست. آیۀ ۳۳: «کیست که بر برگزیدگان خدا مدعی شود؟ آیا خدا که عادل کننده است؟» آیا نکته را متوجه می‌شوید: اگر خدا با مرگ پسرش، شما را عادل شمرده است، هیچ‌کس، آری هیچ‌کس نه در آسمان، نه بر زمین، نه زیرِ زمین، نمی‌تواند شما را به چیزی متهم کند که آن اتهام بر شما وارد باشد. شما جلال خواهید یافت.

چرا؟ چون بی‌گناهید؟ خیر. چون با خون مسیح، عادل شمرده شده‌اید.